

مكتبة الهمّة

الدولة الإسلامية
ذو الحجة 1438هـ

احکام بیعت خلافت

رسانه اعلام توحید

ترجمه‌ی فارسی: رسانه اعلام توحید

احکام

بیعت خلافت

تألیف: مکتبة الهمة

ترجمه: رسانه اعلام توحید

دسته بندی: احکام

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ – ۲۶ شعبان ۱۴۴۵

منبع: http://resaneealamtowhid.blogfa.com

رسانه اعلام توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إنّ الْحَمْدَ للهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللهُ فَلاَ مُضِلّ لَهُ، وَمَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِىَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

{يَا أَيُّهَا الّذِينَ آمَنُوا اتّقُوا اللّهَ حَقّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنّ إِلّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}

(آل عمران:١٠٢)

{يَا أَيُّهَا النّاسُ اتّقُوا رَبّكُمُ الّذِى خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيراً وَنِسَاءً وَاتّقُوا اللّهَ الّذِى تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنّ اللّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا} (النساء:١)

{يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَقُولُوا قَوْلاً سَدِيداً * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا} (الأحزاب: ٧٠، ٧١)

أمّا بَعْدُ...

فَإِنّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللهِ، وَخَيْرَ الْهَدْىِ هَدْىُ مُحَمّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم، وَشَرّ الأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا، وَكُلّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلّ بِدْعَةٍ ضَلاَلَةٌ، وَكُلّ ضَلاَلَةٍ فِى النّارِ.

احکام بیعت خلافت

تعریف بیعت

امام ابن الأثیر می‌فرماید: بیعت عقد و عهد است؛ گویا بیعت کننده آنچه را که در مالکیت خود داشت(امور فردی و دخالت آن) را به امیر خود فروخت(داد) و از وی خالصانه مطابق شریعت اسلام اطاعت نمود و امیر او نیز این موارد را خرید(پذیرفت)؛ امام راغب می‌فرماید: بیعت کردن با حاکم به این معنی است که اطاعت او را ضمانت داد در آن چیزی که حق اوست از همین رو است که آنرا بیعه و مبایعه می‌نامند.[النهایه].

ابن خلدون می‌گوید: بیعت به معنی عهد بستن بر اطاعت می‌باشد همانند اینکه بیعت کننده با امیر خود بر این که در امور خویش و مسلمانان با او می‌ماند و در چیزی با او منازعه نمی‌ورزد عهد می‌نماید. [المقدمة].

این بیعت بر امیر واجب می‌سازد که مطابق شریعت امور رعیت را تدبیر نماید همچنان بر رعیت واجب می‌نماید که در سختی و آسانی خوشی و پریشانی تا که توان دارد در غیر معصیت سخن امیر را شنیده و طاعت او را بکند الله تعالی می فرماید: {إِنّ اللهَ يَأمُرُكُمْ أن تُؤدّوا الْأمَنتِ إِلَى أهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَينَ النّاسِ أن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ} [النساء: ۵۸]

الله تعالی به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید!

این امری است بر گردن حکام و امراء که امانتهای امور و اموال، مطابق شرع را به اهل آن بسپارند و در بین رعیت به عدالت داوری و حکم نمایند بعد از آن الله عزوجل خطاب به رعیت می‌فرماید: {يَأَيُّهَا الّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللّهَ وَأَطِيعُوا الرّسُولَ وَأُولِى الْأَمْرِ مِنكُمْ} [النساء] ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید الله و پیامبر او را و اطاعت کنید اولو الأمر را (در غیر معصیت).

شیخ الإسلام ابن تیمیه (رحمه الله) در شرح این دو آیه فوق برای بیان نمودن واجبات امیر و مأمور یک رساله السیاسة الشرعیة فی إصلاح الراعی والرعیة تصنیف نموده است.

ویژگی های بیعت خلافت امامت

۱ - بیعت امام مسلمانان توسط اهل الحل والعقد امت بسته می‌شود یا به عهد قبلی بسته می‌شود مگر اینکه کسی با شمشیر غلبه حاصل نماید (با او هم بیعت بسته می‌شود).

۲ - بیعت امامت بر هر مسلمان واجب است بنا بر حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم): «مَن مَاتَ وَلِيس فِى عُنُقِهِ بَيْعَةً مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيّةً» (مسلم) کسی که در حالی بمیرد که بر گردنش بیعت نباشد به مرگ جاهلیت مرده است.

۳ - بیعت و اطاعت امام غالب با شمشیر هم واجب است، امام أحمد بن حنبل رحمه الله فرموده است: "ومن غلبهم بالسيف حتى صار خليفة وسمى

أميرالمؤمنين، فلا يحلّ لأحد يؤمن بالله واليوم الآخر أن يبيت ولا يراه إماماً، براً كان أو فاجراً، فهو أمير المؤمنين" [الأحكام السلطانية، أبويعلى]

و کسی که توسط شمشیر بالای شان غالب گردید و خلیفه گشت و امیرالمؤمنین نامیده شد پس در این صورت به هیچکسی که ایمان به الله و روز آخرت دارد جائز نیست که یک شب را بدون امام پسندیدن او بر خود سپری نماید او امیرالمومنین است چه نیکوکار باشد چه گناهکار.

۴ - بیعت امامت دایمی است و قطع نمی‌شود مگر این که امام بمیرد و یا در او سببی به میان آید که عزل نمودن او را واجب می‌سازد مثلا نقصان در دین و یا جسم. [الأحکام السلطانیة، الماوردی]

۵ - جایز نیست برای مسلمانان که بر دو امام بیعت نمایند، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «إِذَا بُويِعَ لِخَلِيفَتَينِ فَاقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا »(مسلم). وقتی که برای دو خلیفه بیعت گرفته شد آخرین آنها را بکشید.

حکم شکننده عهد و بیعت

شکستن عهد ولو که با هر کسی باشد از گناهان کبیره محسوب می‌شود بنا بر وعید وارد شده در این بخش الله تعالی می‌فرماید: {وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئك لَهُمُ اللَّعْنَة وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ [الرعد: ۲۵]

آنهایی که عهد الله را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که الله دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند لعنت و بدی و مجازات سرای آخرت برای آنهاست! و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: «أربَعٌ مَن كُنَّ فيهِ فهُو مُنافِقٌ ، و إن كانَت فيهِ واحِدَةٌ مِنهُنَّ كانَت فيهِ خَصلَةٌ مِن النِّفاقِ حتّى يَدَعَها : مَن إذا حَدَّثَ كَذَبَ ، و إذا وَعَدَ أخلَفَ ، و إذا عاهَدَ غَدَرَ ، و إذا خاصَمَ فَجَرَ .»[متفق علیه]

چهار خصلت است اگر در کسی باشد پس او منافق است و در کسی که یکی از آنها باشد در او یک خصلت نفاق وجود دارد تا این که آنرا رها نماید کسی که در سخنانش دروغ می‌گوید و در وعده‌ای خود خلاف می ورزد و در وقت منازعه بدگویی می‌کند و در عهد خود خیانت می‌نماید.

امام ابن رجب در شرح این حدیث می‌فرماید: و غدر نمودن در هر عهد که در بین مسلمانان و غیر آنها بسته شده باشد حرام است اگر چه عهد شونده(معاهد) کافر باشد... اما در عهدهای که مسلمانان در بین خود می‌بندند در آن وفاء بسیار لازم و نقض آن گناه بزرگ است و بزرگترین عهد از امام بر متابعین اوست.
(جامع العلوم والحکم)

درباره‌ای نقض نمودن بیعت امام مسلمانان وعید خاص وارد شده است یکی از آنها این فرموده‌ای پیامبر (صلی الله علیه وسلم) است: «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنْ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» [متفق علیه]

"کسی که از امیر خود چیزی را نمی‌پسندد پس صبر نماید چون کسی که به اندازه یک وجب از اطاعت امیر خارج شود و درآن حالت وفات کند به مرگ جاهلی از دنیا رفته است." و درباره‌ی معنی «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيّةً» گفته می‌شود یعنی به گناه گفته می‌شود به کفر، چون جاهلیة لفظ مشترک است که چندین معنی دارد؛ به معنی گناهان می‌آید مثلی که در فرموده‌ای پیامبر صلی الله علیه وسلم به ابوذر آمده است: «إنک امرؤ فیک جاهلیة» تو مردی هستی که خوی جاهلیت در تو موجود است و می‌توان لفظ جاهلیت به معنی کفر باشد مثلی که در حدیث حذیفه (رضی الله عنه) آمده است: «إِنّا كُنّا فى جَاهِلِيّت وشرّ ، فَجَاءَنَا اللّهُ بِهَذا الخَيْرِ فَنَحْنُ فيه» [متفق علیه] ما در جاهلیت (کفر) و شر بودیم که الله تعالی به ما این خیر (اسلام) را آورد که ما در آن هستیم.

حکم خروج بر خلیفه

خروج نمودن بر ضد امام مسلمان عادل بدون اختلاف حرام است و کسی که خروج نماید اولا دعوت داده می‌شود اگر قبول نکرد با او جنگ صورت می‌گیرد تا اینکه به اطاعت حاکم مسلمان برگردد اما خروج نمودن بر ضد حاکم کافر بدون خلاف بر کسانی که قدرت آن را دارد، واجب است.

اما امام فاسق و یا ظالم درباره‌ی آنها در بین سلف امت اختلاف وجود دارد؛ بعضی آنرا بنا بر احادیث امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌داند و بعضی بنا بر احادیث من کره من أميره شيئا فليصبر (کسی که از امیر خود چیزی را نمی پسندد، پس صبر نماید) از آن منع می‌کنند.

و نظر جمهور اهل سنت و جماعت این است که بر امراء ظالم صبر صورت گیرد و بر ضد آنها از خروج ممانعت شود امام أبو جعفر الطحاوی (رحمه الله) می‌فرماید: "ولا نرى الخروج على أئمتنا وولات أمورنا ، وإن جاروا ، ولا ندعوا عليهم، ولا ننزع يداً من طاعتهم، ونرى طاعتهم من طاعت الله عز وجل فريضة، ما لم يأمروا بمعصية، وندعو لهم بالصلاح والمعافاة" [العقيدة الطحاوية]

ما خروج بر امامان و مسؤولین خود را ناجائز می‌دانیم اگرچه ظلم کنند و بر ضد آنها دعوت نمی‌کنیم و از اطاعت آنها دست برنمی‌داریم و اطاعت آنها را از اطاعت الله عزوجل و فرض می‌دانیم تا که بر معصیت امر نکنند و برایشان دعای صلاح و معافات می‌نماییم.

وصل اللهم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم

الحمد لله رب العالمين